

استوار باد پیسوند خلق های عرب و ایران

مجله "الجبهه" ارگان "جبهه" فلسطین - بین - خلیج عربی - درباری اظهاریه سازمان توفان را در شماره ۳ ماهه اول سال ۱۹۷۳ درج کرده است.

مجله "سخن با خلق های منطقه" توفان هاست که در باره منتشر میشود در شماره ۳ ژوئیه خود تریخی درباره ایران و مصاحبات اخیر شاه نگاشته و آنگاه بدرج اظهاریه سازگار توفان مبادرت جسته است.

مجله "الحریه" ارگان "جبهه" توده ای دموکراتیک آزادی بخش خلق فلسطین در شماره ۲۵ ژوئن تحت عنوان "سازمان مارکسیستی - لنینیستی ایران" افسران و سربازان ایرانی را به پیوستن به انقلاب ظفار دعوت میکند "اظهاریه" سازمان توفان را درج کرده و در مقدمه چنین نوشته است:

"ما زیلا به نشر اظهاریه" سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان درباره "مدخله" نظامی ایران در عمان صبر ازیم که افسران و سربازان ایرانی را به پیوستن به صفوف ارتش های بخش توده ای در ظفار دعوت میکند. از هنگام "مدخله" نظامی مستقیم شاه ایران در حکومت عمان، درگیری بین نیروهای ملی همرو ایرانی از یک سو و استعمار اعمالی وی در خلیج عربی از سوی دیگر وارد مرحله جدیدی گردیده است. این مرحله ایجاب میکند که یگانگی و همبستگی کلیه بخش های مختلف نهضت نجات بخش عربی و ایرانی به عالیترین سطح ارتقا یابد. و تریخ دیگری نیست که عمل "سازمان مارکسیستی لنینیستی ایران" (توفان) تغییر دیگری در ابر اتحاد استوار بین نیروهای ملی و انقلابی عربی و ایرانی بوجود می آید."

ما از اینکه لزوم "یگانگی و همبستگی کلیه بخش های مختلف نهضت نجات بخش عربی و ایرانی" بدین روشنی مورد توجه نام بنده گان سازمانهای انقلابی عرب قرار گرفته است بسیار متعجبیم. سازمان ما بنابر احساس همین لزوم، برنامه ای که در ۱ ژوئن ۱۹۷۰ "جبهه" توده ای دموکراتیک آزادی بخش فلسطین نوشتت چنین اظهار داشت: "هدف شما (طرد صهیونیسم و امپریالیسم) هدف کلیه خلق های عرب و کلیه خلق های غیر صهیونیست است."

اظهاریه سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان درباره "مدخله" مسلحانه رژیم ایران در عمان و ظفار و همچنین مقاله ماهنامه "توفان" درباره عمان و نهضت ظفار که در شماره ۶۹ و هشتم آن منتشر شد انعکاس وسیع یافت. رادیو بیروت در روز چهارشنبه ۲۵ ژوئیه بخشی از مقاله مذکور را انتشار داد و این امر پشتیبانی گرانبهای از همبستگی مبارزه جویانه خلق های عرب و ایران بود.

روزنامه "صوت الثورة" ارگان "جبهه" توده ای آزادی - بخش عمان و خلیج عربی "اظهاریه" سازمان توفان را در شماره ۷ ژوئیه خود باقیه ای از "درباره" همبستگی خلق های عرب و ایران بجا برسانید.

خبرگزاری "طریق" لیبیا در "لبریا سون" در فرانسه ضمن انتشار متن اظهاریه سازمان توفان از زمان چنین خبر داد: "اینست متن کامل اظهاریه ای که بین سربازان، درجه داران و افسران کشتی برای سرکوب کنندگان مای در ظفار عمان فرستاد میخشد. ما است."

روزنامه عربی "الاکبر" چاپ عدن در شماره ۱۴ ژوئن خود در صفحه اول تحت عنوان "سازمان ایرانی به سرپیچی از رژیم شاه دعوت میکند" چنین نوشت: "سازمان ایرانی انقلابی توفان از نیروهای ایرانی موجود در منطقه عمان دعوت میکند که دست از جنگ با انقلابیون خلیج بردارند و به سرپیچی از فرمان د آوردسته ارتجاعی حاکم ایران مبادرت جسته به ارتش آزادی بخش توده ای که تحت رهبری "جبهه" توده ای آزاد میخشد عمان و خلیج است به پیوندند. سازمان توفان در اظهاریه خود که در روزهای دست نیروهای ایرانی رسیده است نقشه های امپریالیستی - ایرانی را تحلیل میکند و شرح میدهد که میخواهند از نیروهای ایرانی در جنگ غیر عادلانه بر علیه آزادی و استقلال خلق عمان و خلیج عربی، به منزله گوشت دم توپ استفاده کنند. تا از صالح امپریالیسم و د آوردسته ارتجاعی ایرانی و عربی در عمان و خلیج و شبه جزیره عربستان دفاع شود. سازمان توفان در پایان اظهاریه خود بیکار خلقی عمان و خلیج را بر رهبری "جبهه" توده ای تعیینت میگوید."

دام جدید انحصارهای نفتی

قرارداد جدید نفت پس از ماه هازمین سازی در ۲۸ تیر از تصویب مجلس گذشت.

ماهنامه "توفان" بارها ضمن اصلی قرارداد را مورد تحلیل قرار داده و خلاصه نتیجه گیری او چنین بوده است: در شرایطی که نهضت ملی ضد استعماری خلق ها و استادی برخی از دولت ها عرصه را در مسئله نفت بر ابریهالیست ها تنگ کرد اینست که نفت ایران را تا آخرین قطره در کام انحصارها بریزد. ایران در زمان های آینده به پهنای سالی ۵۰۰ میلیون تن نفت به قیمت بازار امپریالیستی با انحصارها تحویل خواهد داد.

در اینجا به تکرار مطالب پیشین تمهید ازیم و بندگی نکاتی چند در برامون تبلیغات رژیم انگلیس میگویم.

شیوه ارتجاع و پیرو شیوه ارتجاع محمد رضا شاه است که هر خبانتی را با طبل و کوس خدمت انجام میدهد. به خاطر بیاییم نقد به قرارداد ارس ران بر زمان رضاشاه و انعقاد قرارداد با داکتر سیوم و ران بر زمان پسرش در موقع تصویب قرارداد با داکتر سیوم و وزیر اوقاف در مجلس گفت: "شکست نفت بهترین وضع ممکن حل شده است" دولت ایران که در اثر بسته شدن قرارداد حاضران "خطر مرگ" نجات خواهد یافت به حد اقل و حسن تشخیص بزنک "آفرین خواهد گفت. اینکه که تبلیغات محمد رضا شاه از آن تاریخ تا کنون قریب بیست سال به پیش رفته است همین گزاره را بقیاسی بر مراتب وسیع تر در باره قرارداد اخیر تکرار میکند و گاهی چنان سر مست لای زدن میشود که بنیته های بیست ساله خود را در باره قرارداد با داکتر سیوم بر روی میدهد. در آن موقع مدعی بودند که قرارداد با داکتر سیوم منافی با قانون ملی شدن صنعت نفت نیست و در ضمن آن جای دارد. اکنون بزبان می آورند که قرارداد با داکتر سیوم در واقع اعطاء امتیاز بود و این واقعیت تا کوا وجود داشت که اداره و کنترل خطیای در دست شرکت های خارجی و مرکز رهبری آنها در لندن بود. [نطق نخست وزیر در مجلس] کرد اندگان رژیم کودتا برای اینکه خیانت امروز از خدمت جلوه دهند بگنایه و تصحیح بخیانت گذشته اعتراف میکنند.

اما امروز نیز با همه ظواهر آرائی ها و سفره عرض کردن ها: کاسه همان کاسه است و آتش همان آتش. بهر ای خلق ایران تفاوتی ندارد که غارت ثروت و با مباشرت مستقیم امپریالیست ها انجام گیرد و با واسطه در لای و بیچارگان آنها. مبارزه بر سر جلو گیری از غارت است و نه شیوه های هزار رنگ آن.

امروز نیز تولید نفت ایران از لندن و روانسنگن رهبری خواهد شد. امروز نیز "تخصمین آزوده" و "جرب کسب و صنعت" که پس از آن آزوده و "جرب منافعی امپریالیست ها هستند" شرکت مقاطع کاری تشکیل میدهند که امپریالیست ها میخسایند و راد رقیضه خود خواهد داد. شت و آنها را با شماره انگشت و انگشتن ولندن خواهد چرخاند. در جهانی که خلق کیبرین و بدین هیچگونه سابقه فعالیت در صنعت نفت و بدین کترین دستیاری از خارج به است اکتشاف و استخراج و تولید نفت مبادرت میجوید، در جهانی که خلق بلند همت آلبانی صنعت نفت خود را بر جوی درخشسان اداره میکند و توسعه میدهد و نفت صادر میکند رژیم کودتا مدعی است که مشخصان ایرانی پس از صنعت سال صنعت نفت در ایران هنوز قادر به اداره این صنعت نیستند و باید فقط زیر دستان عوامل انحصارهای نارنگ باشند. بدین است که کارشناسان خارجی نه برای اداره صنعت نفت بلکه به منظور غارت نفت و ادامه کار کسب و صنعت در ایران میمانند و پس در واقع بموجب قرارداد جدید و کسب و صنعت وجود "محاض و شائبی است" مخائب است چونکه نام ارحاف کرد مانند. و حاضر تراز همیشه است چونکه بجای سالی ۱۲۰ میلیون سالی ۵۰۰ میلیون تن نفت میخورند! بقیه در صفحه ۲

بحران اوزی امپریالیسم و اقتصاد ایران

کرفتار وضع بحران آمیزی است. افزایش قیمت ها در درون کشور نیز موجب میگردد که کالا های صنعتی موسسات تولیدی امپریالیستی بیش از پیش گران شود. و قدرت رقابت خود را بیش از پیش از دست میدهد. عدم مرغوبیت این کالا ها که مطبوعات ایران بارها از آن یاد کرده اند، عامل دیگری در عدم توانایی مقابله با کالا های مشابه است. در نتیجه بازار کالا های صنعتی که بسیار تنگ بود اکنون تنگ تر میشود. اکنون پوچی ادهای شاه و مقامات دولتی ایران که میخواستند با بازیگری میلیاردر تری برای مصنوعات امپریالیست ها در ایران فراهم آورند بخوبی روشن است. بیهوده نیست که اطلاعات سرفاله خود را به "اقتصاد ایران و بحران جهانی مواد اولیه" اختصاص میدهد. بیهوده نیست که تهران اکنون صنعت از "کری هوا و سردی صادرات" صحبت میکند و میگوید: "در بازار حال صادرات و فعالیت زیادی بقیه در صفحه ۲"

بحران اوزی در نیای سرمایه اری برای کشوری مانند ایران که بخش عظیمی از اقتصادش در گروهی و موسس سرمایه اری و در لای امپریالیست و تحولات اقتصادی در نیای سرمایه اری است و زبان های فراوانی در بر دارد.

سرچشمه حیات اقتصادی کشور ما در اوضاع و احوال کنونی در ارض های است که از فروش نفت و صادرات مواد دیگر پیروزه مواد اولیه کشاورزی و معدنی بدست میآید. همین ارضها است که صادرات کشور از کالا های مصرفی گرفته تا کالا های واسط و غیر آن تامین میکند. همین ارضها است که سرمایه گذاران خارجی برای ورود کالا های واسط و بنا بر این برای بکار افتادن چرخهای موسسات تولیدی، از جنگ مرد با ایران بیرون میکنند. چنانچه از ارضها برای ارتش ارضها گامته شود ورود کالا های واسط به ایران با دشواریها روبرو میگردد که بنیته خود بر کار موسسات تولیدی تاثیر میگذارد. و اکنون ما چنان وضعی روبرو هستیم زیرا از یک سو بحران اوزی امپریالیسم از ارتش ارضها گامته است و از سوی دیگر میانجیگفتی ارض که به ۵/۰ تا ۵ میلیارد دلار بالغ میگردد، به مصرف خرید تسلیحات میبرسد.

بر اثر بحران پولی در نیای سرمایه اری، ارضهای حاصل از نفت و صادرات دیگر در قسمت اعظم به دلار تادیه میشوند. بقدر آن زیادی ارتش خود را از دست داده اند و درین حال پاره ای از ارضها مانند مارک آلمان وین یعنی پول کشورهای که بخش بزرگی از واردات از آنها تامین میکرد در برابر دشمنان افزوده شده است. پایین آمدن ارتش در لای و افزایش ارضهای مانند مارک وین همراه با بالا رفتن سریع و قابل ملاحظه قیمت ها در کشورهای سرمایه اری این نتیجه را به بار میآورد که اکنون برای خرید کالا های وارداتی و از آن جمله کالا های واسط باید ارض بیشتری پرداخت.

صادرات ایران نیز بر اثر بازی با قیمت ها در صنعت بین المللی، بر اثر ضعف قدرت رقابت با کالا های مشابه بازار های جهان، علی رغم تبلیغات پر سر و صدی دستگاه دولتی، علی رغم روند گنایه و اعتراضات و مذاکرات مقامات دولتی ایران ارض بیشتری پرداخت.

پیروز باد خلق دلی کامیوج

نزدون سیهانوک و رئیس دولت متحد ملی کامیوج و پراز بازگشت از سفر موفقیت آمیز به ۱۱ کشور آفریقایی و اروپایی بمنظور ختم جنگ در کامیوج سه شرط پیشنهاد کرده است:

"اول: خاتمه دادن کامل و قطعی به مداخلات نظامی (هواپیما و غیره) امریکایی و نشانندگان و وزارت با بانسکولر. سایگون و سایر کشورهای خصم کامیوج.

دوم: برانگفتن کامل "جمهوری خمر" که خان و غیره قانونی، ضد ملی و ضد خلقی و فاشیستی و از پیشه فاسد است.

سوم: تسلیم کامل به بدین قید و شرط و قطعی کیسه کارمندان نظامی امریکا و هوادارانش و کلیه کارمندان غیر کامیوج که در خدمت امپریالیسم و استعمار وین امریکا هستند از کامیوج.

خلق ایران مانند کلیه خلق های جهان پشتیبان پر شور این خواست های عادلانه "خلق کامیوج" است. پیروزی نهایی با خلق دلی کامیوج خواهد بود که با همکاری و جان بازی پر آفرین خود ضربات کاری بر تجاوز کاران امریکایی و چاکران بومی آنها وارد آورد و میآورد.

گراهی باد باران شدگان و هدهه شهیدان!

رؤییم شاه همدست اسرائیل

روزنامه فیکارو ۲۱ ژوئن ۱۹۷۳ چاپ فرانسه مقاله "جانی دربار همداری رژیم ایران با اسرائیل نگاشته که اینک خلاصه ای از آن را بنظر خوانندگان گرامی می‌رسانیم :

دولت ایران چه در جلسات سازمان ملل متحد و چه به مناسبت های دیگر از هیچ فرصتی برای محکوم نمودن سیاست تجاوزکارانه اسرائیل در مورد اشغال سرزمین های عربی خود داری نمیگذرد اما این فقط ظاهر قضیه است و در واقع بین دو کشور در تمام این زمینه ها دوستی محکمی برقرار است .

در این مورد لطیفه ای نقل میکنند : چند ماه قبل سفیرای عرب در تهران بخاطر تمسبلیاتی که جهت فرود هواپیما های ال آل در فرودگاه مهرآباد با اسرائیلی ها داده شده بود بدو ایران اعتراض میکنند ، یک مقام بالای ایرانی در جواب آنها می گوید : شما اشتباه میکنید ، تاکنون حتی یک هواپیمای اسرائیلی نیز در تهران بر زمین نرفته .

چند روز بعد هنگامی که مقام مذکور جهت شایسته یک سفیر عرب به فرودگاه رفته بود یک پوشینگ عظیم الجثه ال آل پیش روی آنها بر زمین می نشیند . سفیر عرب که بشدت جا خورده بود میگوید : نگاه کنید . مقام ایرانی میگوید : جدی میگوئید ؟ من که چیزی نمی بینم . شاید اشتباه میکنید .

این روزنامه اضافه میکند : توریست هایی که در بندر اشکنون پسر میرند تقریباً هر روز میتوانند دیاسه نفت کش را مشاهده کنند که مشغول مکیدن طلای سیاهی هستند کبوسیله لوله از ایستگاه به اشکنون می رسد و سرچشمه اش در ایران است .

بزودی ظرفیت این لوله ها به ۴ میلیون تن در سال خواهد رسید متخصصین اسرائیلی در پروژه های کشاورزی ایران شرکت دارند و سرمایه های اسرائیلی در بخش های مختلف بکار افتاده ، علاوه بر همکاری های دیگری نیز وجود دارد . دستگاه های امنیتی دو کشور همکاری بسیار نزدیکی بایکدیگر دارند و بسیاری از کادر های " ساوان " در تل آویو تعلیم دیده اند .

عده زیادی از مخالفان شاه در اروپا سر میبرند و برخی از آنها در اردوگاه های پناهندگان فلسطین در لبنان تعلیم میبینند . ما نیز اسرائیلی که در امر نفوذ شبکه ها استاد شده اند اطلاعاتی را که برای دولت ایران در مورد شبکه ها حاصل میباشند در اختیار می دهند .

علیرغم تمام تکیه های رسمی عده ای از افسران ایرانی در اسرائیل تعلیم می بینند بخصوص چتر بازان و خلبانان و این همکاری ها خشم مردم را برانگیخته . . . در سال جدید اسرائیل دانشجویان یک انبار بزرگ مرکبات اسرائیلی را در جنوب تهران غارت کردند رؤسای مذهبی پیش ازین در مساجد از این روابط انتقاد میکنند و همه آنها ممکن است روزی بسایر جری شود .

استواریا بقیه از صفحه ۱

نزدیک ، گویه خلق های جهان است . خلق ایران که در شرایط دشوار بر علیه امپریالیسم آمریکا و جاکرانس و در راه " س آن " هاشم رضاشاه و در مبارزه است با تمام قوا از آرمان خلق فلسطین پشتیبانی میکند .

همچنین سازمان مادر نامه ای که در ۱ آوریل ۱۹۷۳ به مناسبت ارسال داروبرای مبارزان دلیر ظاهر به " جبهه " توده ای رهائی بشر عثمان و خلیج " نوشت چنین تصریح کرد : " امروز که دولت زرخیز ایران و در راه " س آن " محمد رضاشاه ، در دوران خوشی راه یک ارتجاع عیان و نیروهای مسلح امپریالیسم انگلستان بنظرم حمله بر نواحی آزاد شده " ظاهر فرستاده است خلق های

ما ، خلق های عرب و ایران ، در چنان وحدت مبارزه جویانه ای قرار میگیرند که هیچگاه سابقه نداشته است . " اظهار میسازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان به مناسبت بد اخلات نظا می ذکر نیز بنظرم نمایانند و تحکیم این وحدت صورت گرفت سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان پیوسته در جستجوی راههایی بوده که به همسنگی فعال خلق های عرب و ایران در مبارزه بر علیه صهیونیسم و امپریالیسم و مرتجعان زرخیز مدعی و به کمک متقابل همه جانبه آنها بایکدیگر عمل تحقق بخشند و امروز با کوشش بیش از پیش ما راه ها را دنبال میکنیم .

استواریا در پیوند برادر ی خلق های عرب و ایران در مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم و گویه " مرتجعان !

دام انحصار های بقیه از صفحه ۱

هنگام طرح قرارداد با کسرسیوم نمایندگی ای در مجلس ایران که نتوانسته بود از مواد پیچیده و درهم و سر گیجه آور قرار داد اسرار بر رویار بردستی گفت : این قرارداد در ارجاع است . ابهام و تفسیر هیچ حد و سامانی ندارد . همین معنی عیناً در باره قرارداد جدید نیز صادق است جز اینکه " اجمال " جای خود را به " تفصیل " داده است . قرارداد در ۳۰ ماده و ۴ صفحه تنظیم شده و سه ضمیمه دارد که بقول اطلاعات " مطالبات و مسائل بطورچه در آن پیش از خود قرار داده میباشند .

این یکی از شیوه های " دینیه " شرکت ها و انحصار های امپریالیستی است که در تمام اقسام خود راطوری تنظیم میکنند که افراد ساده نتوانند تقلب ها و شیادی ها و کلاهبرداری ها را از آنها بیرون بکشند . قرارداد جدید بدلائل نمونه های این اسناد است ، و همین امر به دلایل ایرانی ، از شاه گرفته تا نخست وزیر و به پیشرفت نفت ، امکان داده است که هر چه بخواهد تبلیغات فریبنده خود لازم میدانند به قرارداد جدید نیستند .

دهند . مثلاً اطلاعات انتشار کاند میونس : یکی از مهمترین ماده های قرارداد ماده ۴ است که میگوید بدلائل ایرانی ها و مسائل مورد استفاده در عملیات موضوع این قرارداد و همچنین تخافیه روگور (گازوفت) در مالکیت انحصاری شرکت ملی نفت ایران است . نخست وزیر نیز همین مطلب را با چنان بادی در پیچیدگی بیان کرده که توگوشی شق القری روی داده است .

ولی همه دید اند که همین رژیم کودتا در موقع عقد قرارداد با کسرسیوم (بوجیب شرحی که در مقاله " توفان " ۷ نوشتیم) میلیون ها میلیون هالیره بابت تملک " آرائی ها و مسائل مورد استفاده در عملیات " پرداخت کرد و در ماده ۵ قرارداد با کسرسیوم تصریح شد که هر تا سیست ثابت جدید نیز کلاً بر آید به حساب شرکت ملی نفت ایران خریداری خواهد شد و همچنین ترتیب عمل شده است و کسرسیوم صد و بیارم سرمایه نگذاشت است تا اینکه قرارداد جدید " مالکیت انحصاری شرکت ملی نفت ایران " را باز کرد .

این نوشته ای از تبلیغات رژیم است که برای پوشاندن غارتگری امپریالیسم از هیچ دریغ بر سوئی روگردان نیست . حکومت کودتا مدعی است که " این قرارداد بوجیب وجه قابل مقایسه با سایر قراردادهای مانوده و وجه تشابهی با هیچیک از آنها ندارد . " مدعی است که ایران مالک صنایع نفت خود گردیده و اند از استخراج و تولید نفت در دست خود اوست .

تابع قیمت های تعیینی انحصار هائیمت و غیره . ولی در همین حال نتیجه لاف زنی خود را با اینچنینی رسانده که " کسرسیوم ایران از هیچیک از کشورهای خلیج فارس کمتر نخواهد بود " یعنی از کدام کشورها ؟ آنها بی که صریحاً مالک صنایع نفت خود نیستند و این واقعیت معترفند و بنا بر این در دست شرکت با امپریالیست ها بر آمده اند ، اند از استخراج و تولید نفتشان در دست شرکت های امپریالیستی است ، ادعای تعیین قیمت نفت را در بازار بین المللی ندارند . ایران افتخار میکند که در آواز از آمد چنین کشورهایی کمتر نخواهد بود !

این تناقض از آنجاست که بین تبلیغات رژیم ایران و واقعیت فاصله بسیار است ، واقعیت فریاد میزند که محمد رضاشاه و شیخ ابوظبی ، هر دو در آستانه امپریالیسم در یک صحنه شسته اند . صحبت بر سر چانه زدن های بازاری نیست صحبت بر سر استقلال و حاکمیت ملی ماست . تا بای امپریالیسم از ایران بریده نشود خلق ایران از بای نخواهد نشست . خلق ایران در راه ملی گردن تا و تمام صنعت نفت مبارزه میکند و این آرمان خود را سرانجام با سرنگونی رژیم کودتا تحقق خواهد رساند .

بحران انرژی بقیه از صفحه ۱

تبدیل یک کشور بیک پایگاه صادراتی موضوع ساده و آسان نیست . تخریب بازار فقط از عهده کالا های مغرب و از آن سخته است و برای این منظور باید باز هم کار تریو انسانی کشور ما بپایه مردم کشورهای اروپائی و امریکائی برسد ، والا هیچ عامل دیگری نمی تواند مصرف کنندگان یک کشور را نگریند صرف کالا های گران و نازیبی کند . بنا بر این مهندس ، کارمند و کارگر ایرانی در آینده در برابر سلق مختلف و مشکل بسند ، در مقابل رقابتی سر سختی قرار میگیرند که زیر آرمائی با ایشان کار بسیار دشواری است و روز بروز دشوار تر خواهد شد .

این مطلب بویفور گفته شده است که برای رقابت در بازار

بجز انرژی بقیه از صفحه ۱

تبدیل یک کشور بیک پایگاه صادراتی موضوع ساده و آسان نیست . تخریب بازار فقط از عهده کالا های مغرب و از آن سخته است و برای این منظور باید باز هم کار تریو انسانی کشور ما بپایه مردم کشورهای اروپائی و امریکائی برسد ، والا هیچ عامل دیگری نمی تواند مصرف کنندگان یک کشور را نگریند صرف کالا های گران و نازیبی کند . بنا بر این مهندس ، کارمند و کارگر ایرانی در آینده در برابر سلق مختلف و مشکل بسند ، در مقابل رقابتی سر سختی قرار میگیرند که زیر آرمائی با ایشان کار بسیار دشواری است و روز بروز دشوار تر خواهد شد .

این مطلب بویفور گفته شده است که برای رقابت در بازار

بجز انرژی بقیه از صفحه ۱

انحطاط در کشورهای ریزینونیستی

" ریزینونیست ها در شوروی و سایر کشورهای زمان لحظه نیل به قدرت ، به منظور اینکه توده های زحمتکش را از آرمان های بزرگ انقلابی و سوسیالیسم دور کنند ، راه را برای خیانت خویش هموار گردانند ، کوشیدند تا موازین اخلاقی بوزوئی بر جای موازین اخلاقی پرولتری بنشینند . آنها پاشاهه انفراد گرائی خود در بوزوئی و شیوه زندگی منحط بوزوئی در توده های زحمتکش و بیوزو جوانان دست زدند ، سر جوشی و راحت طلبی فردی ،

تجمل و عیش و عشرت و غیره را کردند در روزی پرده های سینما و تلویزیون و ورقه های کتابخانه ها به فیلم ها و کتابهای بر سر خوریم که مروج زشت ترین مفاسد اند ، از قبیل آدم کشی ، شهوت پرستی ، فاحشگی ، آرایش ، جاه طلبی ، اعتقاد بر سر نوشت و غیره . امروز در کشورهای ریزینونیستی بجای فیلم هایی که مربوط به میهن پرستی و انقلاب بود فیلم هایی مانند " شب خونخواران " " من میدانم که تو آدم کشی " " بر اثر خون " " زندگی حرممانه " یک زن " و غیره نشان داده میشود .

ادبیات کشورهای ریزینونیستی فرق در جریانات انحطاط طی است که در مرکز آنها فیرمان منفی و شیوه زندگی بوزوئی و جاری از فقهیم حقیقی قرار دارد

دوره سته های ریزینونیست برای آنکه از همان مردم را کور کنند و انرژی آنها را در راه زندگی بوج و خالی از آرمان بپدر دهند بطور مستقیم یا غیر مستقیم به ترویج مواد مخدره و الکیسم میپردازند . در لهستان از هر ۱۰ جوان ۳ نفر یکی از مواد مخدر معتادند . در اتحاد شوروی ۸۵ درصد آدم کشی ها و بیشتر از ۶۰ درصد زخم زن ها و ۹۰ درصد از اعمال اوباشانه بوسیله کسانی صورت میگیرد که اعتیادات شدید الکی دارند . لهستان و جارجستان از حیث مصرف سرانه الکل در میان کشورهای جهان در صورت نخستین قرار گرفته اند

در کشورهای ریزینونیستی ، میخانه ها و شرنگه های شبانه مانند خلف در بولوارها و گوشه و کنار خیابان ها سبز میشوند و در آنجا با زبانه های خود فروشی دختران رواج بقدر صفحه ۵

کالا باید مغرب و مغرب تر از دیگر کالا های مشابه و غیره تولیدی آن کم باشد و هیچیک از این عوامل در اقتصاد گوناگون ایران با قضا بی که تاریخ آن وابسته به امپریالیسم است دست یافتنی نیست و هیچیک از عوامل مساعد سرمایه گذاری در ایران مانند " ثبات و امنیت " " تمهيلات دولتی " " دستمزدها " " فقدان اعتصاب کارگری " و کالا های موسسات امپریالیستی را در ایران قابل رقابت با محصولات مشابه نمیکنند . امپریالیست ها با سرمایه گذاری در ایران و فروش انحصاری محصولات خود به بهانه " حمایت از صنایع داخلی " کالا های نامرغوبی را به قیمت های گران تحویل پولداران ایران میکنند و از این راه سود های سرشاری بجیب میزنند و هر زمانیکه نیز که منافعشان اندکی در خطر افتد " پای خود را کنار میکشند " .

رژیم شاه که تکیه کار خود را بر سرمایه های امپریالیستی گذاشته ، تاکنون گذرنامه های سرمایه گذاری گوناگون از سرمایه داران امریکائی ، انگلیسی ، ژاپنی در تهران ترتیب داده و سرمایه داران بسیاری را به ایران دعوت کرده است . نخست وزیر و وزیر اقتصاد و وزیر دیگر مانند پاد های تجارنی کشور های امپریالیستی را زیر میگذرانند . با مقامات دولتی و سرمایه داران خصوصی این کشور ها مذاکره می نشینند و با بر کسیدن عوامل مساعد تولید در ایران ، آنها را به سرمایه گذاری در ایران فرامیخوانند . اما از این همه فعالیت و درونگی و در بریزه و آبروریزی نتیجه ای را که شاه انتظار دارد حاصل نمی آید . اگر صحیح است که صادرات محصولات این موسسات قابل رقابت با محصولات مشابه در بازارهای حتی " این سمت جهان " نیست ، اگر صحیح است که سرمایه داران در درجه اول به منافع خود می اندیشند دیگر چه جایی برای بر آورده شدن انتظارات شاه و طبقه حاکم ایران باقی میماند . بقول تهران اکونومیست " . . . صاحبان صنایع غرب که با دانش و مساب سرور کار اند هر چند که امروز حاضر به سرمایه گذاری در کشورهای ما شوند لکن به محض اینکه یکسای از منافذ شان بخطر افتد ، ما را کار خواهد کشید " .

اینهمه بند هائی که حیات کشور ما را به امپریالیسم می بنسند و موجب میگردند که بحران امپریالیسم در هر زمینه ای که بروز کند و از آن جمله بحران انرژی ، کشور ما را به بحرانی برساند و دامنه اثر گرفتار خواهد کرد .

رژیم شاه که تکیه کار خود را بر سرمایه های امپریالیستی گذاشته ، تاکنون گذرنامه های سرمایه گذاری گوناگون از سرمایه داران امریکائی ، انگلیسی ، ژاپنی در تهران ترتیب داده و سرمایه داران بسیاری را به ایران دعوت کرده است . نخست وزیر و وزیر اقتصاد و وزیر دیگر مانند پاد های تجارنی کشور های امپریالیستی را زیر میگذرانند . با مقامات دولتی و سرمایه داران خصوصی این کشور ها مذاکره می نشینند و با بر کسیدن عوامل مساعد تولید در ایران ، آنها را به سرمایه گذاری در ایران فرامیخوانند . اما از این همه فعالیت و درونگی و در بریزه و آبروریزی نتیجه ای را که شاه انتظار دارد حاصل نمی آید . اگر صحیح است که صادرات محصولات این موسسات قابل رقابت با محصولات مشابه در بازارهای حتی " این سمت جهان " نیست ، اگر صحیح است که سرمایه داران در درجه اول به منافع خود می اندیشند دیگر چه جایی برای بر آورده شدن انتظارات شاه و طبقه حاکم ایران باقی میماند . بقول تهران اکونومیست " . . . صاحبان صنایع غرب که با دانش و مساب سرور کار اند هر چند که امروز حاضر به سرمایه گذاری در کشورهای ما شوند لکن به محض اینکه یکسای از منافذ شان بخطر افتد ، ما را کار خواهد کشید " .

اینهمه بند هائی که حیات کشور ما را به امپریالیسم می بنسند و موجب میگردند که بحران امپریالیسم در هر زمینه ای که بروز کند و از آن جمله بحران انرژی ، کشور ما را به بحرانی برساند و دامنه اثر گرفتار خواهد کرد .

رژیم شاه که تکیه کار خود را بر سرمایه های امپریالیستی گذاشته ، تاکنون گذرنامه های سرمایه گذاری گوناگون از سرمایه داران امریکائی ، انگلیسی ، ژاپنی در تهران ترتیب داده و سرمایه داران بسیاری را به ایران دعوت کرده است . نخست وزیر و وزیر اقتصاد و وزیر دیگر مانند پاد های تجارنی کشور های امپریالیستی را زیر میگذرانند . با مقامات دولتی و سرمایه داران خصوصی این کشور ها مذاکره می نشینند و با بر کسیدن عوامل مساعد تولید در ایران ، آنها را به سرمایه گذاری در ایران فرامیخوانند . اما از این همه فعالیت و درونگی و در بریزه و آبروریزی نتیجه ای را که شاه انتظار دارد حاصل نمی آید . اگر صحیح است که صادرات محصولات این موسسات قابل رقابت با محصولات مشابه در بازارهای حتی " این سمت جهان " نیست ، اگر صحیح است که سرمایه داران در درجه اول به منافع خود می اندیشند دیگر چه جایی برای بر آورده شدن انتظارات شاه و طبقه حاکم ایران باقی میماند . بقول تهران اکونومیست " . . . صاحبان صنایع غرب که با دانش و مساب سرور کار اند هر چند که امروز حاضر به سرمایه گذاری در کشورهای ما شوند لکن به محض اینکه یکسای از منافذ شان بخطر افتد ، ما را کار خواهد کشید " .

اینهمه بند هائی که حیات کشور ما را به امپریالیسم می بنسند و موجب میگردند که بحران امپریالیسم در هر زمینه ای که بروز کند و از آن جمله بحران انرژی ، کشور ما را به بحرانی برساند و دامنه اثر گرفتار خواهد کرد .

رژیم شاه که تکیه کار خود را بر سرمایه های امپریالیستی گذاشته ، تاکنون گذرنامه های سرمایه گذاری گوناگون از سرمایه داران امریکائی ، انگلیسی ، ژاپنی در تهران ترتیب داده و سرمایه داران بسیاری را به ایران دعوت کرده است . نخست وزیر و وزیر اقتصاد و وزیر دیگر مانند پاد های تجارنی کشور های امپریالیستی را زیر میگذرانند . با مقامات دولتی و سرمایه داران خصوصی این کشور ها مذاکره می نشینند و با بر کسیدن عوامل مساعد تولید در ایران ، آنها را به سرمایه گذاری در ایران فرامیخوانند . اما از این همه فعالیت و درونگی و در بریزه و آبروریزی نتیجه ای را که شاه انتظار دارد حاصل نمی آید . اگر صحیح است که صادرات محصولات این موسسات قابل رقابت با محصولات مشابه در بازارهای حتی " این سمت جهان " نیست ، اگر صحیح است که سرمایه داران در درجه اول به منافع خود می اندیشند دیگر چه جایی برای بر آورده شدن انتظارات شاه و طبقه حاکم ایران باقی میماند . بقول تهران اکونومیست " . . . صاحبان صنایع غرب که با دانش و مساب سرور کار اند هر چند که امروز حاضر به سرمایه گذاری در کشورهای ما شوند لکن به محض اینکه یکسای از منافذ شان بخطر افتد ، ما را کار خواهد کشید " .

اینهمه بند هائی که حیات کشور ما را به امپریالیسم می بنسند و موجب میگردند که بحران امپریالیسم در هر زمینه ای که بروز کند و از آن جمله بحران انرژی ، کشور ما را به بحرانی برساند و دامنه اثر گرفتار خواهد کرد .

رژیم شاه که تکیه کار خود را بر سرمایه های امپریالیستی گذاشته ، تاکنون گذرنامه های سرمایه گذاری گوناگون از سرمایه داران امریکائی ، انگلیسی ، ژاپنی در تهران ترتیب داده و سرمایه داران بسیاری را به ایران دعوت کرده است . نخست وزیر و وزیر اقتصاد و وزیر دیگر مانند پاد های تجارنی کشور های امپریالیستی را زیر میگذرانند . با مقامات دولتی و سرمایه داران خصوصی این کشور ها مذاکره می نشینند و با بر کسیدن عوامل مساعد تولید در ایران ، آنها را به سرمایه گذاری در ایران فرامیخوانند . اما از این همه فعالیت و درونگی و در بریزه و آبروریزی نتیجه ای را که شاه انتظار دارد حاصل نمی آید . اگر صحیح است که صادرات محصولات این موسسات قابل رقابت با محصولات مشابه در بازارهای حتی " این سمت جهان " نیست ، اگر صحیح است که سرمایه داران در درجه اول به منافع خود می اندیشند دیگر چه جایی برای بر آورده شدن انتظارات شاه و طبقه حاکم ایران باقی میماند . بقول تهران اکونومیست " . . . صاحبان صنایع غرب که با دانش و مساب سرور کار اند هر چند که امروز حاضر به سرمایه گذاری در کشورهای ما شوند لکن به محض اینکه یکسای از منافذ شان بخطر افتد ، ما را کار خواهد کشید " .

احساسات دروغین

یک چاکر امپریالیسم

۱۲ خرداد امسال سرهنگ هاوکینز مستشار نظامی آمریکا توسط جوانان میهن پرست بقتل رسید . روزنامه اطلاعات این جریان را با آب و تاب نوشته و در حالیکه سعی در تزئین صحنه و خود فرختگی دائمی خود مینماید میخواهد حد اکثر استفادهاز احساسات مردم را بر علیه میهن پرستان نموده آنان را مانند دیگرمطبوعات مزدور "قاتل و خرابکار" نشان بدهد .

اطلاعات روز ۳ خرداد جزئیات را چنین شاعرانه شرح میدهد : " در اولین ساعات باهداد در پیروصدای شلیک ۳ گلوله سکوت صبحگاهی کوجه سمیع در منطقه عباس آباد در هفتکشت و شتاقب آن اهالی محل سراسیمه بلوجه ریختند و اجسد خون آلود مردی که لباس نظامی مستشاری آمریکا را بدن داشت در روی اسفالت کوجه در خون میغلطید رویورشند " . . . بعد چند خط پائین تر چنین مینویسد : " جنازه کتل فقید (البته توجه نمیکند ازجه گلهای ایستادند به میشود کتل فقید) اینک در سرد خاند نگاهداری میشود و محتلا ظرف امروز تصمیم نهایی برای انتقال آن به ایالات متحده اتخاذ خواهد شد . قتل هاوکینز در محافل تهران و محافل امریکائی مقیم تهران با تاسف فراوان تلقین شد . ریچارد هلمز سفیر ایالات متحده در ایران (رئیس سابق سیا) در شب در گفتگوش با خبرنگاران مطبوعات داخلی از آن بعنوان یک " جنایت بی معنی " یاد کرد . "

خواننده ملاحظه نمیکند که سمعودی را این توکر امپریالیسم و خائن خلقی و بیهن مریک بک سرهنگ اریانیش را چگونه قلمداد میکند و با کمه فقید یاد آوری مینماید ، از نظامیان امریکائی کسه دستهایشان تا آنجیح خون مردم امریکائی لاین ، آسیا و افریقا آلوده است ، از نظامیان ایکه اهالی دهکده سر لای ویتنام را از خرد و بزرگ یخون کشیدند بعنوان فقید و شهید یاد مینماید سپس اطلاعات از انتقال جنازه به ایالات متحده امریکاصحیت کرده و میخواهد از احساسات انسانی مردم ایران سو استفاده کرده اما کجاست ظم سمعودی و ده ها سمعودی دیگر کوهتی مبارزان خلق مارادونخیمان شاه و امپریالیسم در زندانهای میگذشتند حتی به عزیزان آنان جنازه را تحویل نمیدهند و صد ها خانواد ده هنوز انتظار عزیزان خود را میکنند .

اطلاعات اظهارات سفیر امریکادرایران ، این رئیس جنایتکارترین سازمان جاسوسی دنیا را چنین مینویسد : " قتل سرهنگهاوکینز یک جنایت بی معنی است " . آری در سرهنگ سمعودی هاو اریانیش قهر مسلحانه در مقابل ظم وید ادگری امپریالیسم جنایت و جنایت بی معنی گفته میشود . جنایت معنی دار آنست که سالهای سال بروی مردم از زمین و هو دریا بمب ناپالم و شیمیائی ریخت و حتی به بیمارستان و کودکستان هم نکرده ملینها مردم را کشت و بیخانمان کرد . اینها جنایات معنی دار هلمز است .

سمعودی احساسات پاک مردم را راحت نمیکند از او میدانند در کشور ما مردم در اثر شرایط زندگی اقتصادی و فرهنگی و مذهبی علاقه و همبستگی بیشتری به خانواده و علاقی خانوادگی دارند لذا دست روی این نکته گذاشته و در چند نظر پائین تر چنین مینویسد : " یکی از دوستان سرهنگ امروز در گفتگوش با اطلاعات گفت که عمه همکاران کتل فقید از ماجرائی که بر او وارد آمده سخت متاسفاند . او گفت همسر کتل هاوکینز در چنان حالت اندوه و تاسفی قرار دارد که قادر به ابراز هیچگونه مطلبی برای مطبوعات نیست . فرزند کوچکش که نیز هر روز مدتی از وقت خود را باید درش میگذراند با آنکه از حادثه اطلاع ندارد و به خانسه دوستان امریکائی فرستاده شد بر برای پدرش ببقارری میکند . واقعا وجدان انسانی و مطبوعاتی آقای سمعودی گل کرده است ! از اینکه فرزندی بی پدر میشود قلمفرسائی میکند و میخواهد با این عمل قتل مستشار نظامی امریکائی را جنایت بزرگ و غیر انسانی قلمداد کند . اما کجاست آن وجدان انسانی و مطبوعاتی سمعودی و تکیه چشم خود هزاران هزار شهپرستانی بیگاری را می بیند که خانمو زندگی را در شهپرستانها رها کرده و دنبال پید اکردن کار به تهران و شهرهای بزرگ دیگر روی میآورند و ما مهاجرتی سالها در تهران سرگردان میگردند و یادست خالی روی بر سرگشت به پیش زن و فرزندند دارند . آیا این خانواده ها علائقی پدر و فرزند دارند ؟ آن فرزند ها در انتظار ریخیلی از شهپار با کاسوس

اعلامیه « جنبه توده ای آزادی بخش عمان و خلیج عربی »

بمناسبت یاد کرد ۹ ژوئن ۱۹۶۵

" جنبه " توده ای آزادی بخش عمان و خلیج عربی " بنامند ۹ ژوئن ۱۹۶۵ که روز شروع انقلاب مسلح است اعلامیه ای داده که اینک خلاصه ای از آن را از نظر خوانندگان گرامی میگردانیم : اعلامیه در خطاب به توده های خلق در منطقه عمان و خلیج میگوید : " هشت سال از ظهور انقلاب پراقتضار و روشن میگذرد . هشت سال گذشته و تفنگ های ما همچنان بر سر دست است تا اعلام دارد که خلق ما یکدانه مهم است . راه انقلاب مسلحانه و راحت رهبری جنبه توده ای آزادی بخش عمان و خلیج عربی ، تا پایان پیروزی ادامه دهد . در طی سال هشتم ، خلق ما بار دیگر ادعاهای انگلستان و دست نشانده وی قاپوس را که از شورشن مردم و قبیله ای " واز " نزدیکی پایان انقلاب " و از گامیابیهای افسران بریتانیایی در برانداختن انقلاب ، . . . و غیره سخن

و شش تنگ گزینی بر سر میآورند و مسعودیها شورتیهایشان را در بانک های داخلی و خارجی جایجا میکنند و اینها را نمی بینند ؟ کجاست وجدان سمعودی و مسعودیهای دیگر و تکیه دستمه دست مردمان بیگار برای پیدا کردن کاری در آنسوی خلیج - فارس خود را بطوفان حوادث میسپارند و بصورت قانونی یا غیر قانونی به شیخ نشینها میروند . اما آنرا درگیر حوادث و توفان خلیج و مایمورد اصابت گلوله های زانده امپریالی شاه و شیخ نشین ها فراموش میکنند و هرگز جنازه آنها تحویل خانواد موافزین ان آنان نمیگردند ، و کجاست وجدان سمعودی که مامورین سازبا امنیت شیشه پدران ، برادران و حتی خواهران را از آتشوز زن و بچه و پدر و مادر با تعداد اسلحه میبرایند و حتی بمسد از کشتن جنازه آنها را به عزیزانشان تحویل نمیدهند ؟

اطلاعات بازم با خط درشت علاقه شد بدعاری در نان خواهر سرهنگ را صنویسد . من در این باره چیزی نمیگویم و قضات رایخاوندند میدهم که این همه زندانیان و این همه قربانیان زخم جبهتی شاه و اعداهای شعبه ای ریباخاطر بیابورد و دلواپشی خانواد آنان را مجسم کند و آنگاه ببیند که سمعودی از اینظرفی دنیا احساساتش برای خواهر جناب سرهنگ گل کرده است !

بالاخره راجع به خدمات سرهنگ هاوکینز مینویسد : " سفیر امریکای (یعنی این رئیس سابق سیا) از خدمات هاوکینز ستایش کرد و یاد آور شد که سرهنگ مذکور در دوران خدمت ده ماهه خود در تهران و همچنین در سیمت های قبلی که به عهده داشته همواره از افسران فعال و شایسته بوده است . "

این شایستگی و فعالیت که سفیر امریکای و رئیس سابق سیا و تزوکر آن سنا تو سمعودی یاد میکنند حقایقیت قتل این سرهنگ را تأیید میکند . یک سرهنگ امپریالیسم خونخوار و مایمور جاسوسی سیا که خون مردم میهن ما را بخاطر منافع یک مشت سرمایه دار امریکائی میکشد و دستمه دسته فرزندان لا لاور خلق ما را اقدام میکند در چین انجام وظیفه به امپریالیسم و خیانت به ملت و ملت و ملت مابقتل رسید و است و این در تاریخ مبارزات خلقی است استعمار زده حق مسلم و قانونی آنهاست که اشغالگر جانی خونخوار را به جزای اعمالش رسانند ، و تازه این شروع قهر مسلحانه است و اینجاست که سمعودی ها عاقبت کار خود را میدهند . آیا سمعودی بخاطر خانواد " هاوکینز ناراحت است ؟ آیا زنی بی پدری فرزند آ سرهنگ روح و قلب حساس و شیشه ای سمعودی را می آزارد ؟ نه . هرگز چنین نیست . او دوران آماجگی خلق ما را در انجا و مبارزه مسلحانه می بیند . او حس میکند که در یازده مبارزه قهر آمیز تحت رهبری طبقه کارگرایران بصورت مبارزه توده ای وسیع وهمه گیر درخواهد آمد . در اثر ترس از این درونماست کسه سمعودی دست به هر ترینگ و فریب وسوس استفاده از احساسات مردم میزند و غافل از آنکه :

در سیری است درها به هرز حیرت بسته است . در کوچسه های باور مسردم ، بیسرداری ، اعتماد به دشمن و اعتماد بر در دست تجربه مطلوب کرده است . در کوچسه های باور مسردم ، خون های تازه شهیدا خورشید های روشن برهانشند .

میگفتند در هم ریخته است . . . یاد کرد روز ۹ ژوئن در حالی برپا میشود که خلق ما پیروزی های بی درین در عرصه های گوناگون بدست آورده است . در طی سال گذشته ، نیروهای ارتش آزادی بخش و نیروهای طبیع توده ای توانستند بحملات دلیرانه ای بر کوه " پایگاه های ارتش انگلستان و ارتش مزدور عمان در ضلله " مرطاب " و صحریت " که بیت در غربت و در پیرو در شرق و مرکز میادرت جویند . . . سپس اعلامیه میگوید : " توده های خلق در مناطق آزاد شده به پشتیبانی بیدار از انقلاب برخاسته و باید آری و دلیری بی نظیری از خود نشان داده گویه " بهاران ها و آتش سوزی ها و کشتارهای راه از طرف نیروهای هوائی انگلستان صورت میگردد و صاوت آمیزترین شیوه هائی را که خانده ان مزدور ابر سعید (قا بوس) در گذشته گذاشتن مردم بکار میبرند شجاعانه تحمل میکنند . . . در چنین حال توده هانشان میدانند که در امر درگرونی او ضاع مناطق آزاد شده در کوه " زینبه ها و در در شوارترین شرایط یافتاری دارند . . . تا " سپس مجلس های توده ای که به موجب قرار کنگره " رخیوت بوجود آمده اند " هرچی برای اعتلا مبارزات بود و نشانه ای از شرکت توده های وسیع در انقلاب بشمار میآید "

سپس اعلامیه میگوید : " در سراسر منطقه عمان و خلیج - عربی ، سایر توده های خلق مبارزات اقتصادی و سیاسی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ، ضد ستبدان محلی و ضد شرکت ها و انحصاری دست زد دانه و هیئت های حاکمه در برابر این جنبش های ملی و دموکراتیک راه دیگری نمی یابند جز اینکه صد هاستن از هوطنان کارگرمار را بخاطر اجرای سیاست امپریالیست های امریکائی وانگلیسی و شرکت های انحصاری و سایر استعمارگران بمسد زندان بفرستند . "

در اعلامیه میگوید که " موافقت نامه " نوامبر ۱۹۶۲ " بین جنبه " توده ای رهائی بخش عمان و خلیج عربی از یک سو و حزب کار عربی در عمان از سوی دیگر ، گام مهمی بود که در راه وحدت بخشیدن به بخش های مختلف نهضت ملی و دموکراتیک در سراسر منطقه برداشته شد . "

اعلامیه مذکور میگوید که انقلاب عمان و خلیج عربی در سال گذشته بیش از پیش مورد پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی قرار گرفت و در راه آنها از جمهوری توده های چین تام میبرد . سپس میگوید : " قاپوس مزدور و سایر دست نشانده گان ، در برابر گامیابی های هاوکینز هائی که خلق ما تحت رهبری جنبه " توده ای - رهائی بخش عمان و خلیج عربی تحصیل کرده است چاره ای بجز آن ندانند که در روز روز بیشتر به سیاست وابستگی و سرکوب خلق روی آورند و بدین اربابان قدیم انگلیسی و اربابان جدید امریکائی و مزدوران محلی آنها در ایران و سرستان سمعودی پناه بزنند . . . باز اعلامیه میگوید که قاپوس و سایر دست نشانده گان هر روز عده بیشتری از نیروهای ایران را برای امال کردن زمین و خلق عمان دعوت میکنند و " روز بروز بیشتر حس میشود که بیمان منطقه ای در خلیج فارس که ایران و سرستان سمعودی در راه آن باشند و کما ملاحظه امریکایانند ، بمنظور برقراری امنیت و تنگبانی از صا لبح امپریالیستی ، در حال تکوین است . "

اعلامیه در خطاب بخلق میگوید : " بمناسبت یاد کرد هشت سالگی انقلاب تا کید میگویم که چند ان در راه مبارزه " مسلح یافتاری خواهیم کرد که اراده " خلق ما در نیل به آزادی و ترقی و تنقح بیبوند . . . ما تا آنکده میگویم که خلق ما از ۹ ژوئن ۱۹۶۵ راهی برای خود ترسیم کرده است که با پیش آمد هیچ گونه دشواری تا نیل به پیروزی از آن باز نخواهد گشت . . . نبردی که در عمان میگذرد از نبرد در شبه جزیره سینا و بخش غربی جدانیمت . در آنجا اسرائیل دست نشانده گانش در برابر نیروهای رهائی طلب عربی قرار دارند و در اینجا انگلستان و دست نشانده اش قاپوس در برابر انقلاب مسلح ، و مایمور آمیکسه مهمترین وظیفه " ما در قبایل خلق فلسطینی خویش و در قبایل نتایج شکست هژمون عبارتست از تشدید مبارزه بخاطر رهائی سرزمین عربی و بخاطر گرام برداری در جهت شکست دادن آنهاست که در پشت سراسر اسرائیل ایستاده اند و از وی حمایت میکنند . . . زنده باد انقلاب پیروزی ژوئن ! زنده باد جنبه " رهائی بخش عمان و خلیج عربی ! "

دست جلاد از جان میهن پرستان کوتاه!

کارشناسان خارجی در ایران

تعداد دقیق آنها چند نفر است؟ بدستی معلوم نیست زیرا که مقامات دولتی در این مورد نیز پاسکوت میکنند و با بر طبق عادت همیشگی خود حقایق را واژگونه جلوه گر میسازند: (به عنوان مثال در مورد تعداد کارشناسان خارجی شرکت نفت مطبوعاً ایران بارها نوشته اند از ۴ هزار نفر کارکنان شرکت نفت شاید یک هزار هم خارجی نباشد در حالی که فقط در افسو از بیش از هزار تن از آنها را میتوان مشاهده کرد و تا کارشناسان سان اخراجی از لیبی نیز مرتباً وارد ایران میشوند.)

اما آنچه مسلم است آنها در همه جا هستند، از مراکز شهرها و کوچکترین هتلها و کارخانههای کشور گرفته (تهران - اکروپوست ۱۲ خرداد ۱۳۵۲) میتیوس هتل کینه را مرسو . . . طبق یک طرح انگلیسی به مجهزترین کاربنوی کشور تبدیل شده و قریب ۳۰ نفر کارشناسان و کارمندان انگلیسی آنرا اداره می نمایند (تا بدترین کوره دما (سپاهیان صلح) با سازمان امنیت و ارتش و سیکرتنت که پانوق اصلی آنها را تشکیل میدهد گرفته تا وی آخن ، وزارت کشاورزی ، سازمان زمین شناسی کب کشور ، دانشگاه جنگ داری دانشگاه تهران ، سازمان عمران دشت قرین ، شرکت های سپاهی زرعی واقع در اراضی زیر سر سدها ، شرکت های بهره برداری از جنگلها و صنایع چوب ، وزارت صنایع و معادن . . . حتی فدراسیون تربیت بدنی سی کشور (در عهد آریامهر برای کشتی و این ورزش باستانی مانیز از خارج تخصص وارد میشود)

بورژوازی ملی ایران

هم چهره خوش رو در روس بورژوازی خودی بهوشاند . در کشور ما ایران یکی از رایج ترین شکل های سرمایه گذاری امپریالیستی را در شرکت های مختلف خارجی و ایرانی میتوان دید: در بانکها و در صنایع ، در بانک های بازرگانی ، در حمل و نقل ، در واحد های گشت و صنعت ، و غیره و غیره . سرمایه داران ایران نیز در ریافته اند که راه برخورد اری از تسهیلات دولتی ، خصوصیت از تعدی بورژوازی ها ، معافیت از مالیات ها ، تحصیل نماینده گئی های تجاری و صنعتی ، بهره مندی از سود کلان ، در شرکت با سرمایه امپریالیستی است ، اما این راه بروی همه سرمایه داران ایران باز نیست ، نه سرمایه داران امپریالیستی میتوانند همه " طبقه " رفته بایند ، بورژوازی ایران را در تعطیلات و مناطق خویشتن شریک گردانند و نه بورژوازی متوسط و کوچک ایران توانائی این شرکت را دارد . هر چه بورژوازی بزرگ ایران با سرمایه های امپریالیستی بیشتر میسازد و با این طریق نظارت و

این نظریه که در ایران بورژوازی ملی وجود ندارد بسیار دیگر میماند کشیده شده است . علاوه بر مردان ترسکیت که در اشتیاق چپ نمائی خویش از مشاهده تفاوت میان کشورهای امپریالیستی و کشورهای استعمارزده و مختصات بورژوازی این دو نوع کشورها چنانچه برخی از دوستان سازمانهای مترقی نیز به انکار وجود بورژوازی ملی در ایران قائل شده اند . از جمله سی - نویسنده " تصویر وجود بورژوازی ملی در ایران بصورت یک قدر ، تصویری باطل و مبتنی بر عدم تشخیص یگانه شدن سرمایه داری داخلی و خارجی ، وجهائی شدن آن است ."

این حکم صحیح است که بورژوازی امپریالیستی در مقابل با نهضت ضد استعماری خروشان خلق ها در صدد برآمدن است که بخشی از بورژوازی کشورهای استعمارزده را در عملیات خویش شرکت دهد تا هم پایگاه جدیدی در این کشورها داشته باشد و

مطلوبه سرمایه امپریالیستی بر اقتصاد ایران گسترده تر و سنگین تر شود طبیعتاً بورژوازی متوسط و کوچک بیشتر تحت فشار و در تنگنا قرار خواهد گرفت . البته عدای از این تنگنا را در ورژوازی و رشکست میسوزند و از طبقه بورژوازی بیرون میافتند . ولی در کشوری مانند ایران که اقتصاد کالائی و کشاورزی خرد و بورژوازی در آن افراد جدیدی از این قدر سر بیرون میآورند و خود را از اناناد بیشتر اقتصاد را به عرصه بورژوازی کوچک و متوسط میسازند و جای تپو ماند و رشکستان پیشین را بر میزنند . در کشوری که تابع اقتصاد بازاری و رقابت وین نشکلی است جز این نمیتواند باشد . سرمایه داران کالاهای امپریالیستی ، بورژوازی کوچک و متوسط ایران را که با صنعت و پیشه روی و تجارت ملی سروکار دارد و به همین ضابطه بورژوازی ملی خوانده میشود تضعیف و سرکوب میکند ولی نمیتواند از میان بردارد . این بورژوازی باقی میماند و مبارزه ضد امپریالیستی او هر چند گرفتار فقر و تنگناست و در طی رقم جنبه سازشکارانه اش ادامه میدهد .

در روزهای اقتصاد ایران سرمایه ای است بنام " سازمان صنایع کوچک و واحدهای صنعتی ایران " که در مهرماه ۱۳۴۷ ملک هائی برای تشخیص صنایع کوچک معین کرده است . بنا بر سر ملک های مذکور ، صنعت کوچک صنعتی است که : مالکیت و در حد صد درصد ایرانی داشته باشد ، سرمایه نا بیش از صد هزار در حد و پنج میلیون ریال باشد ، حد اکثر تعداد کارکنان در هر واحد کار محدود ، غیر باشد ، و غیره . همین شروط سازشکارانه است (اگر واقعاً برای اثبات این امر بدیسی دلیلی لازم باشد) و روشن است که صاحبان این صنایع کوچک ، بورژوازی کوچک و متوسط ایران را تشکیل میدهد .

اینها فقط نمونه است . واکنون با توجه به تعداد کل کارشناسان خارجی و رخنه آنها در سراسر مملکت در تمام وزارتخانه ها بطرحها و برنامهها و علاو بر جاسوسی و خرابکاری که شغل اصلی آنهاست تنها حقوق آنها را که از جیب ملت گرفته است ایران تا همین میگردد و دستپاچه حساب کشیده .

آیا ملت باین کارشناسان احتیاج دارد آیا ما متخصصان دانشمندان داریم و آیا اگر بود جمعی عظیم نظامی و پلیسی جنبشها در توسعه دانشگاهها و ادیس بر کار رود ملت ما نمیتواند علوم فنون جدید را فرا گیرد ؟ آیا هزاران متخصص مهندسی و دیگران داریم که بعد از حقیقت و فساد ریاضی مجبور به ترک کشور میگردند در زندان ها سر نیست گشته و بیای چوبه های اعدا ام روانه میشوند آیا صد ها هزار فرزند کارگردان هقان و پیشه روی که میتوانستند مهندسی و کوشش کنند ای سود ویری امپریالیستها و این رژیم شوم و لعنتی نمیگردند ؟

نقشهایمانه در حدود ۳۰ هزار تومان حقوق دریافت میکند بسه اضافه خانه و اتومبیل مبنائی ، مخارج تحصیل فرزندان او در عرقله از جهان و توسعه تحصیلی که باشند هزینه تعطیلات یکماهه تابستان در هر نقطه از دنیا که دلش بخواهد به انصاف بطرف بزرگت و تمام مخارج یکماهه خانواده ایشان کسسه جهت گذراندن تعطیلات خود با ایران میآیند همه و همه به عهد دولت ایران است . و اما کارشناسان اسرائیلی طرح عمران دشت قرین : از ۱۷۰ نفر اسرائیلی که بعنوان متخصص و تکنیسین در سازمان عمران و آبپاری قرین حقوق میگیرند اکثر ۱۰ نفر از این مدرک تحصیلات عالی هستند و بقیه فقط در کیوتس های اسرائیل کارگردانند و در اینجا به عنوان مهندس و تکنیکسین حقوق میگیرند . حقوق رئیس اسرائیلی طرح در حدود ۴۰ هزار تومان در ماه و حقوق متخصصین از ۳۰ تا ۲۰ هزار تومان در ماه و حداقل حقوق برای کارگران اسرائیلی (که مهندس و تکنیسین قلابی) ۹ تا ۱۰ هزار تومان در ماه است . این طرح که مستقیماً بر نظر افراد اسرائیلی شرکت تهال اجرا میشود بدون در نظر گرفتن سابقه زمین و تجربیات زمین و هوای منطقه برنامه ای تنظیم و اجرا گرد . باید متذکر شد که مهندسان ایرانی حق هیچگونه دخالت و مخالفتی با نظریات رژیم اسرائیل ندارند . باید متذکر شد که مهندسان و متخصصان ایرانی هم در این امر درگیرند . اما بهر حال همه آنها در کار اصلی خود که جاسوسی ، خبر جینی ، تهیه نقشه های معادن و منابع غارت معادن و جنگلها و محصولات کشاورزی ، حمایت و بالا کشیدن کارمندان و متخصصین وطنی بله قربان گو ، کوشش و صفت ، جیب زن ، ترسو و خائن و همچنین تحقیر و تهدید و پرونده سازی و بیرون انداختن متخصصین کارمندان و مهندسان پرست و شجاع (اینان متخصصین لایق ایرانی را که علی رقم سیستم پوسیده دانشگاهها دارای سواد و معلومات کسافی هستند تحقیر نموده و آنها را که بدلیل تبعیضات ، حقوق کثی ها و مشاهده غارت کشور دلشان بی کار نمی رود تمیل و بیسواد میخوانند و به این طریق از یکسو عقب ماندگی ایران را بدلیل تمیلی نژادی دانسته و از سوی دیگر وجود خود را توجیه می نمایند) ، تبلیغ و فروش اسلحه و سایر جنگلها و کتور خود ، کنترل امور و برنامه ها در جهت حفظ منافع ملی یا لیستها و سوسایل امپریالیستها تخصص و مهارت کافی دارند .

حقوق و درآمد : میزان حقوق و منیع درآمد این کارشناسان معمولاً جزاً اسرار مملکتی است . حقوق برخی از آنها از طرف سازمان ملل ، سنو ، و یا به اصطلاح از محل کمک های خیرخواهانه کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه تأمین میگردد . اما اکثریت قریب به اتفاق آنها از دولت ایران حقوق دریافت می دارند ، از حقوق کلان ارتشی و ساواکی ها که بکدریم به عنوان مثال یک کارشناس شرکت

اما تخصص آنها : از کارشناسان ماهر و دوره دیده نظامی و پلیسی و بخصوص کارشناسان امریکائی و اسرائیلی سازمان امنیت که با شنجه بروی وینامی ها و فلسطینی ها تجارت فراوان کسب نمودند ، که بگذریم بقیه کارشناسان رشته های علمی و فنی اغلب حرفه ای های ماهری بیشتر نیستند و فقط به محض ورود به خاک ایران از طرف مقامات " مهسان نواز " ایرانی به اخذ عناوین دکتر ، مهندس ، تکنیسین برجسته مقرر میگردند . اما بهر حال همه آنها در کار اصلی خود که جاسوسی ، خبر جینی ، تهیه نقشه های معادن و منابع غارت معادن و جنگلها و محصولات کشاورزی ، حمایت و بالا کشیدن کارمندان و متخصصین وطنی بله قربان گو ، کوشش و صفت ، جیب زن ، ترسو و خائن و همچنین تحقیر و تهدید و پرونده سازی و بیرون انداختن متخصصین کارمندان و مهندسان پرست و شجاع (اینان متخصصین لایق ایرانی را که علی رقم سیستم پوسیده دانشگاهها دارای سواد و معلومات کسافی هستند تحقیر نموده و آنها را که بدلیل تبعیضات ، حقوق کثی ها و مشاهده غارت کشور دلشان بی کار نمی رود تمیل و بیسواد میخوانند و به این طریق از یکسو عقب ماندگی ایران را بدلیل تمیلی نژادی دانسته و از سوی دیگر وجود خود را توجیه می نمایند) ، تبلیغ و فروش اسلحه و سایر جنگلها و کتور خود ، کنترل امور و برنامه ها در جهت حفظ منافع ملی یا لیستها و سوسایل امپریالیستها تخصص و مهارت کافی دارند .

سوزگون باد رژیم محمد رضا شاهی

پیمان جدید... بقیه از صفحه ۶ آمده اشاره است به ورود اتحاد شوروی به میدان مبارزات جهانی بر سر نفت خاورمیانه. همه میدانند که نیازمندی اتحاد شوروی به نفت پیش از آنکه از افزایش تولید اوست و از طرف دیگر به بازارهای نفت فروش شوروی در اروپا توسعه یافته است. و از طرف دیگر تسلط بر منابع سرشار نفت بمشابه ماده استراتژیک در مبارزات عمومی امپریالیستی جهانی دارای اهمیت بسیار است. همه اینها نشان میدهد که نفت رمیله چه مزایای فراوانی برای اتحاد شوروی در بردارد.

باید بخاطر آنست که پشتیبانی کاسپین در اواسط مشترک از حکومت فاشیستی عراق بمنظور خروج حکومت مذکور از انفراد در جهان عرب و یاری وی در عاری مربوط به وحدت خلق عراق و هنگامی صورت میگردد که موقعیت اتحاد شوروی در مصر متزلزل گشته و سیاست او در برخی از دولت های عربی شکست خورده و رسوائی او در برابر انقلاب فلسطین و نهضت رهایی بخش عرب باوج رسیده است. در چنین اوضاع و احوالی اتحاد شوروی همان نقشی را بازی میکند که استعمار غرب در طی سال های گذشته بازی کرده است یعنی بهره برداری از تضاد ها و بین رژیم های مختلف عربی و پیوسته بین بغداد و قاهره وجود ندارد. همچنین هدف اتحاد شوروی آنست که از عراق برک جلب نهضت انقلابی خلیج عربی و ترمز کردن آن استفاده کند. بطور کلی اتحاد شوروی میخواهد حکومت عراق را بمنزله افزاری جهت برقراری افراطی امپریالیستی و ریزش حکومت های شوروی در خلیج عربی و شرق عربی بکاربرد.

اما از لحاظ بین المللی پیمان مسکو - بغداد بخشی از مبارزه شدیدی است که بین دو ابرقدرت امریکا و اتحاد شوروی بر سر تقسیم جهان جریان دارد. مبارزه ای که از یک سوشالیست منازعه است و از سوی دیگر شامل معامله حکومت عراق که موقعیتش از طرف توده های خلق تهدید میشود. خود خواست خود را در مانده پیمان بدست آورد و دستکم بگوید: "هرگاه حالتی پیش آید که امنیت یکی از طرفین را تهدید کند و یا تهدید دیگری برای صلح باشد و یا صلح را بهم بزند طرفین منظمترین تمهیدات فوری را باید بکار گیرند تا مواضع خویش را بمنظور دفع خطری برقراری امنیت صلح معین کنند."

ماده ۷ که در کورس حبابه در جانب خطر اشاره میکند: از داخل و از خارج و اتحاد شوروی امکان میدهد که هرگاه شورش های توده های در عراق روی دهد و یا مبارزه مسلحانه شیوع یابد و پیوسته بمنظور سرکوب نهضت رهایی بخش در کردستان بیاری حکومت عراق بشتابد...

خلق ما اتحاد شوروی را بمنزله کشور نخستین انقلاب ظفر مند سوسیالیستی می شناخت... اما با حکومت رسیدن ریزش نیمه در اتحاد شوروی و خیانت اوصالح خلق ها و هرچند که خیانت و طمع ارباب وی در ریزش اوضاع سوسیالیستی و مارکسیستی انجام میگردد، از آنرا در خلق مارتوسا ساختار نباید تاریخ با اضا این پیمان استعماری در عراق تکرار شود. ولی امروز جهان ماجباتی نیست که دولت های استعمار بتوانند به من مانع و بر حسب میل خویش در آن جولان دهند و بمقصد برسند. امروز گرایش عمده در جهان ماجبتش انقلابی توده ها بر علیه امپریالیسم است و مبارزه خلق ما در عراق و تجارب انقلابی وی پیوسته نخواهد ماند و این پیمان و کلیه مفاد امپریالیسم را بگردد خواهد سپرد و همچنانکه پیمان بغداد را بگردد...

نکته ای چند... بقیه از صفحه ۶ این تصور که چون هنوز حزب طبقه کارگر در عرصه ایستادگان احیا نشده است این سازمان توده های میتوان جانفشانی آن کرد در صورتی است که از عدم توقف به مایعیت و وظائف حزب و سازمان توده های سرچشمه میگردد. کسانی که لزوم حزب طبقه کارگر را صمیمانه درک میکنند بجای اینکه در صد جانفشینی برای آن باشند باید باتمام قوا در احیا آن بکوشند و به سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان که عمده مساعیش صرف این امر خطیر است پیوندند. هیچ راه دیگری جز این راه دشوار وجود ندارد.

انقلابیون صادق باید فعالیت سازمان توده های و کوه شش در راه تقویت و گسترش آن را وظیفه خود بشمارند و باید از طریق بحث صبورانه و افتخار با استقرار شعارها و شیوه های درست در تشکیلات و در عمل روزانه و در مطبوعات بویاری رسانند.

در برابرمین... بقیه از صفحه ۶ بدو تمام مسا در خورشید، تخطی و افعال قهرآمیزی رژیم و رشد حرکت انقلابی این طبقات... رشد مبارزات دهقانان در تمامی زمینها و تانین رهبری کونیستی این مبارزات... مبارزه های میگردد که: انجام موفقیت آمیز این وظائف برعهده هشتاد های کونیستی است.

اینست خلاصه طرح جدیدی که بموجب آن باید هشتاد های کونیستی بوسیله کونیست ها - که معلوم نیست کی و در کجا عسند - تشکیل شود و به شرکت در انواع مبارزات بخاصه مبارزات سیاسی کارگران و دهقانان دست بزند و بر رهبری آنها نائل آید. مبارزات مسلحانه را تدارک بیند و رهبری کونیستی را در تمامی زمینه های مبارزات دهقانی تأمین کند و تا آنجا که امکان های عملی وحدت بین کونیست ها که داشته شود و هنگام احیاء - و اصطلاح نویسدگان جزوه: ایجاد - حزب طبقه کارگر فرارند. به عقیده نویسندگان جزوه هیچ سازمانی مانسد سازمان توفان حق ندارد کار احیا. حزب طبقه کارگر در عرصه ایران بدست خود بگیرد بلکه باید این کار به جریان خود بخون به فعالیت برانگیزد و بر سر مرکز کونیست ها واقع گردد.

این طرح جدید نیز احیا حزب طبقه کارگر ایران را به شرایطی حواله میدهد که هرگز فراهم نخواهد آمد. زیرا که پیش از آنکه طبقه کارگر مرکز نمیتواند بدون داشتن حزب طبقه کارگر در انواع مبارزات کارگران و دهقانان در سازماندهی و زحمت کشان بطور مؤثر بیکسر شرکت جویند و رهبری را در دست گیرند. زیرا که مبارزه مسلحانه اگر بمعنای جنگ توده ای در دست ایجاد حکومت بوزکاسی نبیند است جز بوسیله رهبری متمرکز حزب طبقه کارگر که برنامه استراتژی و تاکتیک صحیح برای سراسر ایران داشته باشد و بصورت قطب جان به بهترین نیروهای خلق در آید تدارک شدنی نیست.

اعتقاد باینکه این وظائف خطیر را بدون وجود حزب طبقه کارگر نمیتوان انجام رسانید از این اعتقاد بی لزوم حزب طبقه کارگر سرچشمه میگردد. احیاء احیا حزب طبقه کارگر بزرگوار که این وظائف خطیر را انجام میدهد بمعنای نفی احیا است. البته سازمان توفان هیچگاه امر احیا حزب طبقه کارگر را در عرصه ایران از مبارزات طبقاتی و ملی جدا نمیکند. سازمان توفان از نخستین روز تاسیس خود بر اساس سند و وظائف مرسوم مارکسیست ها - لنینیست های ایران "نه از یکبار بر علیه امپریالیسم" و ریزش و ارتجاع با زبانتادونه از مبارزه در راه احیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران. سازمان ما پیوسته برای پیوند باتوده ها در تلاش بوده و هست. ولی سازمان ما هیچگاه احیا حزب طبقه کارگر را به نقطه اوج مبارزه تحت رهبری کونیست ها بر علیه امپریالیسم و ریزش و ارتجاع به نقطه اوج پیوند کونیست ها باتوده ها ماکول نمیکنند بلکه نیل باین مرحله را مشروط باحیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران میدانند. ما عقیده نداریم که هیچگاه میتوان حزب طبقه کارگر را بشعبه موجودی کامل در بجهت نیرومندی عاری از کبود ها و آراسته بگویی. خصوصیات حزب طراز نین طبقه کارگر بچسب آورد. چنین تصویری از واقع بینی مارکسیستی سرچشمه نمی - کیرد. حزب طبقه کارگر هم بناچار باید دوران کودکی و جوانی و پختگی را بپیماید. پختگی او نیز نسبی است. حزب طبقه کارگر تا وقتی که ضرورت تاریخی دارد آنی از تکامل باز نخواهد ایستاد و هر روز نسبت بروز پیشین آگاه تره آرزوده تر و در سطح عالی تری از تشکی و فعالیت انقلابی قرار خواهد داشت. باید توجه کرد که احیا حزب طبقه کارگر یک امر است و ساختمان تکامل بخشیدن آن امر دیگر. و بدیهی است که تا حزب طبقه کارگر بوجود نیاید ساختمان و تکامل آن صورت پذیر نخواهد بود.

شش سال فعالیت سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان گواهی میدهد که سازمان ما احیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران را سرسری نگرفته است. سازمان ما این وظیفه را وظیفه عمده خویش دانسته و در راه ایفاء آن موفقیت هایی داشته و ضرباتی تحمل کرده است. اگر سازمان توفان امر احیاء حزب طبقه کارگر در عرصه ایران را به جریان خود رووانگشته و آن را بدست خویش گرفته است ضرورت آن معنی نیست که خود را از سایر مارکسیست ها - لنینیست های نیاز میشارد. برعکس سازمان ما یقین دارد که در یازود خواهد توانست کلیه

شش سال فعالیت سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان گواهی میدهد که سازمان ما احیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران را سرسری نگرفته است. سازمان ما این وظیفه را وظیفه عمده خویش دانسته و در راه ایفاء آن موفقیت هایی داشته و ضرباتی تحمل کرده است. اگر سازمان توفان امر احیاء حزب طبقه کارگر در عرصه ایران را به جریان خود رووانگشته و آن را بدست خویش گرفته است ضرورت آن معنی نیست که خود را از سایر مارکسیست ها - لنینیست های نیاز میشارد. برعکس سازمان ما یقین دارد که در یازود خواهد توانست کلیه

شش سال فعالیت سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان گواهی میدهد که سازمان ما احیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران را سرسری نگرفته است. سازمان ما این وظیفه را وظیفه عمده خویش دانسته و در راه ایفاء آن موفقیت هایی داشته و ضرباتی تحمل کرده است. اگر سازمان توفان امر احیاء حزب طبقه کارگر در عرصه ایران را به جریان خود رووانگشته و آن را بدست خویش گرفته است ضرورت آن معنی نیست که خود را از سایر مارکسیست ها - لنینیست های نیاز میشارد. برعکس سازمان ما یقین دارد که در یازود خواهد توانست کلیه

یک سال جهنگ پارتیزانی در یوزیل

در شماره ۶۸ توفان نوشیم که چگونه در نبال سینه تظاهرات کارگران و دهقانان و دانشجویان از یک سال پیش تیرد مسلحانه خلق در منطقه آراگایا (شمال یوزیل) شعله ور گردیده و از پشتیبانی عظیم خلق برخوردار است. نیروهای پارتیزانی در سیمتایر سال گذشته بانکیه بر توده های خلق توانستند حملات ده ها هزار سرباز یوزیلی را که با وسائل مختلف جنگ و تحت نظارت "ارتزان" امریکائی و یفرمانده های فرانسوی کل قوای یوزیل به مواضع آنان حمله شده بودند در دم شکستند اینک بخشی از بیامی را که کمیته مرکزی حزب کونیست یوزیل به تقاسیم یک سالگی آغاز مبارزه مسلحانه در آراگایا به پارتیزانها فرستاده است از نظر خوانندگان گرامی میگردانیم:

"شما از حمله دشمن سست نشدید. به جنگ زدید و جنگ پارتیزانی را که اینک در او ده ماه از راه آن میگذرد آغاز کردید. شمار برابر در شوریهایی زندگی سخت پارتیزانی دلیرانه ایستادید و نشان دادید که میتوان کامیابانه در مقابل سنگسار مقاومت کرد. شما عمل خود باعث میشوید که میلیون ها تن در دهقانان و برادران ما که در قزوین و صومعه بسر میبرند بخود اطمینان پیدا کنند. شما عمل خود که برای مقابله با قهر ارتجاعی اسلحه برگزیده راه درست رهایی یوزیل را از استبداد و عقب ماندگی و سلطه بیگانه نشان دادید. مقاومت مسلحانه آراگایا حمله تازه ای بر روی جنبش در مرکز آنیک و بیمن پرستانه گشوده است..."

ما ایمان داشتیم که تیرد مسلحانه در مناطق داخلی و امری اجتناب ناپذیر است. ما میدانیم که جنگ سخت و طولانی خواهد بود. خلق باید برای پیروزی در آن آماده فعالیت عظیم باشد که مهمترین وحدت بخشیدن بصرف خویش است. وحدت تکلیف پیروزی است. اینک نمونه و سرمشق آراگایا در همه جا گسترش مییابد. روزی فرا خواهد رسید که در سراسر یوزیل و مرکز تازه پارتیزانی بوجود آید. برای تحقق آمل خلق هیچ راه دیگری در پیش نیست.

کونیست ها که در راه وحدت بیمن پرستان بخاطر رهائی یوزیل از بیگانه و از ضعفترین رژیم نظامی که تاکنون کشور ما بخود دیده است در پی کارند تجدید عهد میکنند که با کلیه مسائل و مشکلات جنوب ایالت با یاری برسانند. کونیست ها این وظیفه انقلابی را بدین نورسرتعهدید ها و حملات فاشیستی رژیم انجام خواهند داد.

انحطاط در... بقیه از صفحه ۲ دارد. اینک بستر سر در شتر تکه های مذکور عنوان "دولتی" چشم میخورد مایه تعجب نیست زیرا که خود دولت های ریزش مروج این امکان فساداند...

اینک فحشا و امراض مغربری در کشورهای ریزش شیع دارد... انحطاط اخلاقی موجب افزایش بزه کاری گردیده است. در چکسلواکی که در ۶۵ سال پیش ۴۰ درصد جنایات بوسیله جوانان ارتکاب مییافت اکنون بیش از ۷۰ درصد بوسیله آنها صورت میگردد. در لهستان طبق آمار ریزش نیست ها فقط در

سجین در سال ۱۹۷۱ قریب ۳۰ جنایت در روزی در راه است. در روستو در طی یک سال ۱۳۰۰ جنایت و ۱۷۰۰۰ حمله راهزنان اتفاق افتاده است. انحطاط اخلاقی، اوپاشی و بزه کاری، شره، منی حیانت بار ریزش نیستی و احیا سرمایه داری است... تلخیص از روزنامه زری ای پوپولیت ارگان حزب کارآلبانی مورخ ۲۶ ژوئن

مارکسیست لنینیست های صدیق را در زیر پرچم واحد حزب طبقه کارگر در عرصه ایران گرد آورد. به پیش در راه احیا حزب طبقه کارگر در عرصه ایران!

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D' ADDA / ITALY

حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
CÓNTO 17549 / 11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

گامیاب باد مبارزات خلق در ترکیه

پیمان جدید بغداد

این عنوانی است که مجله "النصر" ۱۹۷۳ از انتشارات جمعیت انقلابی عراقیان، مقیم اروپا، به پیمانی داده است که در ۹ آوریل در بغداد بوسیله کامیون نخست وزیر شوری و الیکر رئیس جمهور عراق باضام رسید و شنبه قرارداد امضاء است که اتحاد شوری چندی پیش از آن با هند منعقد ساخته بود. اینک خواننده گان گرامی را با مقتضای النصر آشنا می کنیم:

"الف" پیمان بغداد از یکی از کامیابیهایی بزرگ خلق مابعد از انقلاب ۱۹۵۸ بود و به حضور مستقیم استعمار و زمین مآخانه داده، اینک بعد از ۱۵ سال که از آن انقلاب ملی پراختیار میگردد حکومت خائن فاشیستی عراق پیمان جدیدی امضاء کرده است که هدفش تبدیل بدی تدریجی کشور به مستعمره نوین امپریالیسم نو ظهوری است.

روز ۹ آوریل نقطه تحول تازه ای در تاریخ حزب بعثت حاصل گم مبارزات داخلی پشماره میورد، و نیز نشان آن است که مبارزات نیروهای بیگانه باید یکدیگر بر سر استیلا، برواوضاع سیاسی و اقتصادی و نظامی در عراق و منطقه عربی باج خود رسیده است.

باید دانست که نفوذ روز افزون شوری در عراق - به ویژه پس از سال ۱۹۶۸، با مخالفت جدی انگلستان و آمریکا (بخصوص انگلستان کسبه در شرکت های نفتی و در شبکه های جاسوسی

سهم بزرگی دارد) روبرو شدند زیرا که اتحاد شوری در نتیجه زدن به انقلاب اوچکیو عراق مورد استفاده قرار گرفت و ریزش و بیستیم جهانی و دنباله آن در عراق با انعقاد قرارداد ۱۱ به پوتوشس

غرابکارانه بر علیه انقلاب کردستان دست زدند. از آن زمان اتحاد شوری با نفوذ غرب در عراق هند استان شد. ولی طبیعی

است که در برابر بحرین بزرگ خود از خود و مورد توافق "تجاوز کرد، به ویژه که اکنون تغییرات مهمی در توازن قوا در عرصه جهان روی داده است. مهم ترین جنبه این تجاوز باید در مسئله

نفت که اساس اقتصادی نفوذ استعمار در عراق است جستجو کرد. یکی از مهم ترین دلایل اینکه حکومت عراق درهای خود را

چهارطاق بر روی طمع ورزی های اتحاد شوری گشود با فشاری منادی بود که شرکت های نفتی در مدت اکران زانویه - فوریه ۱۹۷۲

تشان در داد و ستاد و قانون سال ۱۹۶۱ (که قانون ملی و بومی بسر کوتاه کردن دست شرکت های نفتی بود) و کلیه مسائل ناشی از آن را زیر پا گذاشتند. حکومت عراق موافقت کرد که این قانون را

ترازا دریافت عوائد مالی کلان از محتوای خود تهی سازد ولی خواست پوششی بر این کار بنهد و چنان جلوه دهد که "پیروزی ملی" بدست آورده است...

دلیل دیگر آن بود که دولت انگلستان در خلیج عربی با ایران و آمریکا و بریتانیا سمردی کنار آمده و دولت پوسیده عراق را بی پناه و ناگشت خالی گذاشته بود.

دلیل مهم دیگر در ارایش دولت عراق بسوی اتحاد شوری آن بود که دولت عراق میخواست خود را از انفراد، چه در داخل و چه در خارج، بیرون آورد و توجه نیروهای ملی را بخود جلب کند.

همچنین دولت عراق احتیاج مبرم به پشتیبانی نظامی اتحاد شوری داشت تا بر یکبارگی و جگر خلیج خیره بزند و نهضت خلق کرد را با آهن و آتش فرو نشاند...

ماده ۷ پیمان میگوید: ملتین معظمین بنابر مصالح امنیت و کشور همگامی خود را منظر رشد قدرت و فائق طرفین افزایش خواهند داد...

وقتی که ناوگان اتحاد شوری به بندر ۳۰ قمر وارد شدند و کامیون رهبران دریا نوردی شوری جمعیت اوپوزاردید ناوگان مذکور رفتند، آنگاه معلوم شد که دولت "معظم" عراقی چگونه

میخواهد قدرت و فائق اتحاد شوری را بالا ببرد... عبارت دیگر تعقیب نفوذ ریزش و بیستیم جهانی و طمع ورزی همسای

امپریالیستی او در خلیج عربی و اقیانوس هند برپا آورد. سرزمین عراق از جهات دیگر نیز نمیتواند مورد استفاده قرار گیرد که از آن - جلستان اعطا یا یکا همسای عراقی نظامی بمبارانهای شوری... اما "توسعه همگامی... در بهره برداری از نفت و سایر منابع طبیعی" که در ماده ۵ موافقت نامه بقید رصفا "ه

در پیرامون

احیاء حزب طبقه کارگر در عرصه ایران

پیشتر این امر است که نیروهای مارکسیستی - لنینیستی نمیتوانند و باید با هم متحد شوند و حزب کمونیست ایران را بوجود آورند.

در جزوهای که در همین همان حال از جنبه دیگر انتشار یافته طرح مذکور چنین تنظیم شده است:

"حزب طراز نوین طبقه کارگر که نهاد رهبران این پیوند است - یعنی "پیوند یابی مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسزدی"

با مبارزات کارگران در دهقانان ایران - در مسیر تکامل آن سازمان خواهد یافت.

اما این پیوند چگونه بدست می آید؟ - نویسنده گان جزوه پاسخ میدهند:

"از طریق کار سیاسی و سازماندهی در بین کارگران و دهقانان ایران، ایجاد هسته های کمونیستی در بین آنان،

و شرکت و رهبری انواع مبارزات، خاصه مبارزات سیاسی این طبقه و اضافه می کنند که:

"پایه های علی وحدت بین کمونیست ها عبارتند از: کار سیاسی و سازماندهی در بین زحمتکشان، دامن زدن

شرکت و رهبری انواع مبارزات، خاصه مبارزات سیاسی آنان، و تدارک مبارزات مسلحانه"

اما تدارک مبارزات مسلحانه "تود های" از چه طریق میشود؟ - پاسخ نویسندگان جزوه چنین است:

"از طریق افشاگری همه جانبه رژیم سفک پهلوی و تبلیغ وسیع مبارزات مسلحانه طوایف، بد و محور سیاست انقلابی

ضد امپریالیستی، در بین کارگران و دهقانان و ایجاد و رشد و تکامل حرکت سیاسی این طبقات، و ترویج ایدئولوژی و سیاست

انقلابی، آگاه نمودن آنان از روابط میان تمام طبقات و افشاگری همه جانبه حکومت، آرتاسامون سیاسی بشهر رصفا "ه

اینک قریب شش سال از آغاز بحث درباره چگونگی احیاء حزب طبقه کارگر در عرصه ایران میگذرد. در آن موقع سازمان ما

بمخالفت و مبارزه با طرحی پرداخت که عملاً نافی حزب طبقه کارگر بود. طبق طرح مذکور میبایست: نخست گروههای مسلح

- صرف نظر از هویت اجتماعی و برنامه سیاسی - به کوه بروند و عملیات پارتیزانی دست بزنند، در چندین جا مناطق آزاد

شده بوجود آید، آنگاه نمایندگان گروههای مختلف ترکیبی از این مناطق گرد آمده به تشکیل کنگره و - با اصلاح آنها -

ایجاد حزب پرورد ازند. باین طریق لزوم حزب طبقه کارگر تا مرحله پدید این مناطق

آزاد شده صریحاً نفی میشد و از آن پس نیز بر عهد و گروههای واگد

ار میگردید که هويت اجتماعی و برنامه سیاسی معین و واحدی نداشتند و بیگانه وجه مشترکشان تفنگ اری بود. بدیهی است که

این مرحله نیز جز به نفی حزب طبقه کارگر نمیتوانست بینجامد. در اثر مبارزه پیگیر سازمان ما این طرح با شکست روبرو

شد و حتی برخی از هواداران ما با نفاق از خود دست زدند. اما حوادث نشان میدهند که کسانی هنوز مضمون اصلی آن را از دست

نهاد ماند و کنگره با اصلاحاتی فزونی و پوششی جدید بر عرصه ایدئولوژی همان ها که از خود باین مناسبت انتقاد کرده بودند باز در

اسفند ۱۳۵۱ زوشنند: "در راه برانجام رساندن این وظیفه (یعنی ایجاد حزب کمونیست) تشکیل های مارکسیستی - لنینیستی

باید مارکسیسم لنینیسم و اندیشه مائوتسزدی را با میان کارگران و دهقانان برود، با آنها پیوند کنند و سطح جنبش تود های را

بطور مشخص شناسند و بر اساس خواست های مشخص توده ها شعارهای مبارزاتی راستینی را برای گسترش جنبش پیش نهاد و

و این جنبش ها را از نظر سیاسی و تشکیلاتی تکامل بخشند. در جریان

نکته ای چند در باره سازمان توده ای

هرگاه سازمان زنان، براه احراز دموکراسی و تحصیل آزادی اجتماعی، تعاد و مطبوعات مبارزه نمکد بجه وسیله خواهد توانست تود و زنان را برانگیزد و حقوق آنان را بسازند.

و اما اگر سازمان تود های فقط به شعارهای عام تکیه کند و از شعارهای اختصاصی خود غافل بماند به جلب تود های که هنوز وارد میدان نیست ناظر نخواهد شد و بصورت سازمانی پرگرو لایق

زن ولی کم کار می اثر نخواهد آمد و به بسنج توده در راه اجرای شعارهای عام نیز توفیق نخواهد یافت. مثلا هرگاه اتحادیه

کارگری در راه حقوق کارگران و بالا بردن دستمزدها و رفع بیکاری است تفرات حقوق بیمه و غیره مبارزه نکند چگونه خواهد توانست تود کارگران را که مسلماً از لحاظ آگاهی بهای پیش آهنگ خود تود است

اندک در آورد و از وظایف ذاتی اقتصادی و مبارزات سیاسی بکشد. البته تناسب اهمیت شعارهای اختصاصی و شعارهای عام برای هر سازمان تود های، بر حسب سطح آگاهی توده و

اوضاع عمومی کشور و لحظت مختلف سیاسی تفاوت میکند. ولی هیچ سازمان تود های هیچگاه از تلفیق این دو نوع شعارنی نیاز نیست و در غیر این صورت از این سو یا از سوی دیگر در بهره

خواهد افتاد. ممکن است امروز سازمان تود های فراگیرند و تمام وسایل

اکنیت توده نباشد زیرا که این امر فقط در طی مبارزه و بتدریج حاصل خواهد شد. اما هرگاه شعارهای سازمان مذکور چنان

شعارهایی است که در مرحله معین با خواست های توده آن سازمان مطابقت دارد و میتواند برای توده قابل درک و پذیرفتنی

باشد و توده را به مبارزه برانگیزد در آن صورت سازمان مذکور ماهیتاً سازمان توده ای است، اگرچه هنوز جمع همه یا اکثریت توده نباشد.

هر سازمان تود های با سایر سازمان های متنوع خویش و با کلیه احزاب و جمعیت های انقلابی و دموکراتیک در ارتباط و در جستجوی وحدت عمل است. ولی تطبیق فعالیت های

سازمان های توده ای گوناگون و کمک آنها در یافتن شعارها و شیوه های صحیح فقط با حزب رهبر است و نه با این یا آن سازمان تود های.

هر سازمان تود های، هر قدر مقبول و پذیرفته باشد، هرگاه درصد ایفاء نقش حزب برآید نه فقط در این کار موفق نخواهد شد بلکه نقش خویش را نیز از دست خواهد داد و بقره رصفا "ه

پیروزی یاد جنگ توده ای خلق فلسطین و ظفار